

روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری

دکتر مرتضی منادی*

چکیده

روش کیفی یا تفسیری یا توصیفی یا ژرف‌نگر، با وجود قدمت تاریخی‌اش پس از سال‌ها خاموشی، در دو دهه اخیر در علوم اجتماعی و علوم رفتاری از اقبال خوبی برخوردار شده است. این روش، با فرضیه ساختارمند آغاز نشده، یعنی فرضیه آزمایشی از اصول آن نیست. هم‌چنین آزمایش تستی را دنبال نمی‌کند و قصد اجرای نظریه‌ای را نداشته، بلکه بعد از جمع‌آوری اطلاعات، در تحلیل‌ها از نظریه‌ها استفاده می‌کند. اعداد در آن نقش ویژه‌ای ندارند و در مقابل تفسیر و تحلیل عمیق داده‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در صورت خوب انجام یافتن یک تحقیق به روش کیفی، آن تحقیق می‌تواند به تبیین نظریه‌ای جدید منتهی شود. رشته‌های مختلفی چون: روان‌شناسی، روان‌کاوی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (یا مردم‌شناسی)، عرصه استفاده از روش کیفی هستند. مردم‌نگاری، مشاهده، پژوهش در عمل، زندگی‌نامه، مصاحبه و بررسی اسناد نیز از ابزارهای رایج جمع‌آوری اطلاعات در روش کیفی می‌باشند. هدف این مقاله معرفی روش‌های قابل اجرا و رایج در تحقیق کیفی است.

واژه‌های کلیدی: روش پژوهش، روش کیفی، تفسیر، تحلیل محتوی، مردم‌نگاری.

مقدمه

در حوزه پژوهش‌های علوم اجتماعی و علوم رفتاری (و البته در علوم انسانی دیگر)، با دو روش کمی و کیفی سر و کار داریم. هدف روش کمی که به روش اکتشاف یا روش پوزیتیویستی معروف است، کشف حقیقت یا ماهیت انسان و جهان است؛ لذا محقق با دنبال کردن این روش، تلاش می‌کند تا راه حل مسائل را براساس تجربه و مشاهده بیابد. در مقابل، روش کیفی یا تحلیلی معطوف به فهم رموز و معانی زبان بوده و در پی تحلیل مسائل و پدیده‌های انسانی و اجتماعی است. امروزه روش سومی به نام روش انتقادی در برخی از پژوهش‌های علوم انسانی نیز مرسوم شده است (باقری، ۱۳۷۴).

اما، در اکثر پژوهش‌های علوم اجتماعی و علوم رفتاری، دو روش کمی و کیفی بیشتر رایج است. هر یک از این دو روش طرفدارانی داشته و در نتیجه سعی در برحق شمردن خود دارند. به عبارتی، بحث، گفت‌وگو و جدل بین نظریه‌پردازان و طرفداران آنها برقرار است. از دل این چالش، این سؤال اساسی بیرون می‌آید که کدام‌یک از این دو روش (کمی یا کیفی) بر دیگری مزیت و برتری دارد؟

نگارنده معتقد است که طرح این سؤال اساساً درست نیست و نمی‌توان از برتری یک روش بر روش دیگر صحبت کرد؛ چرا که هر دو روش مزایایی داشته و به‌طور یقین ضعف‌هایی نیز دارند. ولی نکته اساسی در این است که اولاً، در مورد بعضی موضوع‌ها یکی از این دو روش بهتر پاسخ می‌دهد و می‌تواند اطلاعات دقیق‌تر و بهتری را پیرامون موضوع مورد مطالعه بیابد. ثانیاً، در بعضی از جوامع یکی از روش‌ها بهتر و مفیدتر می‌تواند عمل کند. ثالثاً، در نظر گرفتن مسئله هزینه‌های زمانی و مالی موضوع پژوهش، یکی از دو روش را بیشتر می‌طلبد؛ ولی در صورت وجود امکانات و توان پژوهش‌گر، در اکثر موضوع‌ها این دو روش می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.

هدف مقاله حاضر، نقد روش کمی نبوده، بلکه تلاش می‌کند تا پس از معرفی مختصر ویژگی‌های روش کیفی، روش‌های رایج جمع‌آوری اطلاعات و پژوهش‌های انجام یافته در این دیدگاه را مورد بررسی قرار دهد.

تاریخچه روش کیفی

استفاده از روش کیفی قدمتی تاریخی دارد (هس و سووا، ۱۹۹۳، ص ۵۳)، ولی شاید در رویکرد جدید علمی و در حوزه علوم اجتماعی بتوان کارهای مارسل موس (بنیانگذار

مردم‌شناسی) را آغازگر استفاده از این روش دانست. موس در ابتدای قرن گذشته با نگارش کتاب *راهنمای مردم‌نگاری*، سنگ بنای روش کیفی با شیوه‌های علمی امروزی را پایه‌ریزی کرد (موس، ۱۹۹۲). وی در این کتاب به تفصیل روش‌های مشاهده و تحقیق در اموری همچون: جغرافیای انسانی، سازمان اجتماعی، تکنیک، اقتصاد، حقوق، مذهب، علم، زبان، آداب و هنجارهای جمعی را مورد بررسی قرار داد.

تا اوایل نیمه دوم قرن بیستم، بیشترین تحقیقات علوم اجتماعی و علوم رفتاری در کشورهای غربی با روش کمی صورت می‌گرفت. برای مثال، نزدیک به ۹۰ درصد گزارش‌های منتشر شده در مجله‌های جامعه‌شناسی آمریکا مبتنی بر تحقیق کمی و بررسی‌های آماری بودند (سیلورمن، ۱۳۷۹)، اما نزدیک به سه دهه است که روش کیفی در اکثر پژوهش‌ها در اروپا از استقبال بیشتری برخوردار شده است؛ این در حالی است که در این سه دهه، ما شاهد پیشرفت‌های بسیار زیادی در حوزه آمار و کامپیوتر بوده‌ایم.

چیستی روش کیفی

به منظور معرفی رویکرد کیفی، ابتدا نگاهی گذرا از منظر معرفت‌شناختی به این رویکرد داشته، سپس به صورت خلاصه روش‌های رایج جمع‌آوری اطلاعات در دیدگاه کیفی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

از منظر معرفت‌شناسی هر دو روش کمی و کیفی به دنبال پاسخ به سؤال‌های اساسی آدمی در ارتباط با جهان هستی می‌باشند، منتهی این دو روش، اولاً موضوع را به یک شکل نمی‌بینند، ثانیاً آن را مشابه هم بررسی نمی‌کنند.

روش کمی، پا، جای پای روش‌های علوم طبیعی گذاشت و دیدگاه تجربی، اثبات‌گرایانه یا دستوری را رونق داد. در این دیدگاه، تلاش می‌شود همچون علوم طبیعی با شناخت متغیرها و اعمال تغییر در بعضی از آنها، تأثیر متغیرها بر هم و بر پدیده مورد مطالعه مشخص شده و فرضیه‌های ساختارمندی طرح گردد. به عبارتی، فرضیه آزمایشی یکی از اهداف اصلی روش کمی است.

در مقابل، روش کیفی روشی است که بر دیدگاه تفهیمی یا تفسیرگرایانه مبتنی است که به چگونگی تفسیر، درک، تجربه و به وجود آمدن جهان اجتماعی توجه دارد. پژوهش کیفی بر آن گونه از روش‌های تحلیلی استوار است که در آنها به درک عمیق پیچیدگی‌ها،

جزئیات و بافت پدیده‌های مورد مطالعه تأکید می‌شود (شریفی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۰) و می‌کوشد تا رویدادی را شرح دهد (مارشال، ۱۳۷۷، ص ۵۷). اغلب پژوهش‌های کیفی براساس تجربه و مشاهده‌های مستقیم پژوهش‌گر آغاز می‌شود. یعنی باید پژوهش‌گر از قبل با موضوع خود در محیط طبیعی برخورد داشته باشد. در مواقعی پژوهش‌گر موردهایی را به صورت هدفمند از محیط پیرامون خود شناسایی کرده و آنها را مورد مطالعه دقیق و عمیق قرار می‌دهد (ین، ۱۳۸۱). از این دست نمونه‌ها می‌توان به تکنگاری‌های جامعه‌شناس فرانسوی لوپلی، پیرامون خانواده‌ها در فرانسه اشاره کرد (لوپلی، ۱۹۸۹).

در مورد جایگاه فرضیه در روش کیفی باید این نکته را یادآور شد که هر چند در این روش پژوهش‌گر قصد آزمون فرضیه‌ای را ندارد، ولی این امر بدان معنی نیست که پژوهش‌گر قبل از پژوهش نداند در جست‌وجوی چه چیزی است یا هیچ حدس و گمانی پیرامون موضوع مورد پژوهش خود نداشته باشد. نکته مهم در روش کیفی آن است که پژوهش‌گر فرضیه‌ای ساختارمند و از قبل تعیین شده را به شکل مرسوم در روش کمی در ذهن خود نمی‌پروراند. به عبارتی، در تحقیق کیفی، در مورد فرضیه انعطاف‌پذیری وجود دارد. به همین دلیل اطلاعات به دست آمده، نتایج پژوهش را هدایت و فرضیه‌ها را شکل می‌دهند.

در اثبات‌گرایی، پس از جمع‌آوری اطلاعات کمی و تحلیل متغیرها، هدف اصلی، آزمایش فرضیه‌ها و تعمیم قوانین به منظور پیش‌بینی و کنترل پدیده‌هاست، در حالی که در روش کیفی پس از جمع‌آوری اطلاعات، پژوهشگر درصدد توصیف، روشن‌سازی و معرفی چگونگی وضع موجود بوده و در مواردی چنین تحقیقی می‌تواند به فرضیه‌ای جدید در ارتباط با چگونگی واقعیت‌های انسانی و اجتماعی بینجامد (سیلورمن، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳).

در ضمن، محدود نبودن در سطح یک یا دو متغیر، از دیگر ویژگی‌های روش کیفی می‌باشد. توضیح آن‌که در روش کمی به دنبال کشف رابطه همبستگی بین چند متغیر محدود هستیم؛ در حالی که در رویکرد کیفی، از سویی تعداد متغیرها محدود نبوده و از سوی دیگر به دنبال رابطه همبستگی بین متغیرها نیز نمی‌باشیم؛ بلکه توصیف و فهم وضعیت موجود و دلایل وجودی آن از اهداف روش کیفی است.

از نظر انتخاب موضوع نیز، روش‌های کیفی بیشتر موضوع‌های قابل لمس زندگی روزمره را انتخاب کرده و در سطح خرد، به صورت عمیق آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

از این جهت، روش‌های کیفی در جامعه‌شناسی خرد و نظریه‌های کنش متقابل نمادی (مید، ۱۳۶۳) یا جامعه‌شناسی بالینی (لورو، ۱۹۸۱) کاربرد زیادی دارند؛ بنابراین، توجه به محیط موضوع مورد تحقیق در روش کیفی، بسیار اهمیت دارد (مارشال، ۱۳۷۷ و هس، ۱۹۹۳).

هم‌چنین، به‌دنبال اهمیت محیط، درک معنای استفاده شده توسط افراد در آن زمینه به اعتقاد گارفینکل (سیلورمن، ۱۳۷۹) یا تعریف موقعیت (مید، ۱۳۶۳) براساس تعریف شرکت‌کنندگان در آن موقعیت خاص، ملاک می‌باشد. به اعتقاد برجه و لوکمان (۱۹۸۶) دو جامعه‌شناس پدیدار شناس، از سویی واقعیت‌های انسانی و اجتماعی در یک چارچوب اجتماعی ساخته شده و از سوی دیگر، معنی آنها تابعی از تلقی شرکت‌کنندگان حاضر در آن موقعیت خاص اجتماعی است؛ لذا توجه دقیق به موقعیت‌های اجتماعی در روش کیفی اهمیت اساسی دارد (دولوز، ۱۹۹۷، ص ۵). در این رابطه دولوز معتقد است: «در هر گروه اجتماعی، کلمات، اصطلاحات و رفتارهای مخصوصی وجود دارد که فقط اعضاء آن گروه آنها را می‌شناسند و انجام می‌دهند. فقط آن معنی‌ای درست است که خود مجریان می‌گویند؛ نه آنچه که ناظران می‌بینند و مطرح می‌کنند. لذا جهت شناخت افکار و رفتار یک گروه، شناخت نظریه‌های آن گروه ضروری است. روش‌شناسان مردم‌نگر، معتقدند که رفتار آدمی مانند زبان در گفت‌وگو شرکت می‌کند. در نتیجه هر دو عنصر، همزمان می‌بایستی مورد مطالعه قرار بگیرد» (همان، ص ۲۳).

به‌دنبال نکته مطرح شده، در روش کیفی توجه به معنی و مفاهیم و محیط‌های طبیعی (و نه مصنوعی ساخته شده توسط پژوهش‌گر) و تأکید بر اینکه واقعیت در بیرون از فرد وجود ندارد، بلکه در ذهن فرد وجود دارد. در نتیجه، از طرفی معنی و مفهوم افراد جامعه و از سوی دیگر، این معانی در موقعیت‌های طبیعی که فرد در آن قرار دارد، برای پژوهش‌گر کیفی دارای اهمیت می‌باشد.

در پژوهش کیفی، پژوهش‌گر قصد شناخت واقعیتی را دارد تا به توضیح، توصیف و تفسیر آن پردازد؛ در نتیجه‌ای قصد «اجرای نظریه» را در ذهن نمی‌پروراند. ولی بعد از جمع‌آوری اطلاعات، در تحلیل‌ها می‌توان از نظریه‌های موجود کمک گرفت و نتایج را تحلیل و تبیین کرد. در واقع، در روش کیفی از عمل یا واقعیت موجود موضوع، به سمت نظریه می‌رود. (لاپاساد، ۱۹۹۱) در نتیجه، پژوهش‌های کیفی در صورت خوب انجام یافتن، نسبت به روش کمی بیشتر می‌توانند به تبیین نظریه‌ای بیانجامند.

در صورتی که پژوهش کیفی به صورت دقیق در مقیاسی کوچک اطلاعاتی را یافته و سپس بتواند در مکان و زمان دیگری همان روش را تکرار کند؛ و به پاسخ مشابه است یابد، امکان «تعمیم» نتایج میسر می‌شود. بدین ترتیب، انتقاد تعمیم‌ناپذیری روش کیفی حل می‌شود. البته چون شیوه جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل‌های استنباطی امکان‌پذیر است، اما استعداد اندیشیدن پیرامون این داده‌ها نیاز به شناخت علمی و اطلاعات کافی پیرامون موضوع دارد (کیوی و وان کامپنهود، ۱۳۷۰، ص ۳۶). بنابراین، پژوهش‌گر روش کیفی می‌بایستی اولاً شناخت نسبتاً خوبی نسبت به موضوع داشته، ثانیاً تسلط خوبی بر نظریه‌های موجود پیرامون آن موضوع داشته باشد.

در مورد «نمونه‌گیری»، اگر نمونه‌های پژوهشی به صورت هدفمند انتخاب شوند، به طوری که معرف واقعیت جامعه پژوهشی باشند و نمونه‌های منحصر به فرد نباشند، مسئله تعمیم‌ناپذیری نتایج پژوهش کیفی نیز از این جهت متفنی خواهد شد.

نکته دیگر در پژوهش‌های کیفی نقش «اعداد و ارقام» می‌باشد. برخلاف وجود اعداد که در پژوهش‌های کمی از جایگاه خاصی برخوردار است و توضیح و تفسیر از جایگاه ضعیف‌تری برخوردار می‌باشد، در پژوهش‌های کیفی اولاً، اعداد جایگاه مهمی ندارد برعکس توضیح و تفسیر و به‌طور کلی نوشتن نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (بومارد، ۱۹۹۰، ص ۲۳ و وانکراینت، ۱۹۹۰، ص ۴۵). البته اینکه اعداد جایگاه خوبی ندارند به این معنی نیست که اعداد هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند، بلکه اصل اینگونه روش‌ها، بر اعداد متکی نمی‌باشد.

«تحلیل محتوی» یکی دیگر از ویژگی‌های مهم در روش کیفی می‌باشد. تحلیل محتوی، یعنی بررسی عمیق داده‌های جمع‌آوری شده که در تمامی علوم انسانی حتی در ادبیات نیز کاربرد داشته، می‌تواند رابطه متغیرها و شبکه ارتباطات را نه در سطح، بلکه در عمق مشاهده و بررسی کند (باردن ۱۹۸۳، ص ۲۶). در این حالت، نکات مهمی را می‌بایستی در نظر گرفت یا مراحل مختلفی را باید پیمود. اولاً در نظر گرفتن تمامی ابعاد فضایی که اطلاعات در آن فضا جمع‌آوری شده است. ثانیاً، روشن کردن واژه‌ها و مفاهیم کاربردی توسط بازیگران آن موقعیت، و سپس رتبه‌بندی کردن آنها. ثالثاً آشکار کردن بخش‌های پنهانی یک رابطه یا شبکه روابط موجود بین بازیگران یا بخش‌های مختلف رفتارها و گفتارها، و در نهایت روشن کردن ناخودآگاه فردی یا جمعی در پی الفاظ و رفتارها. مجموعه انجام این

مراحل در مورد داده‌های جمع‌آوری شده، تحلیل محتوی را به دنبال خواهد داشت (هس، ۱۹۸۹). در این رابطه می‌توان برای مثال، به تحلیل روان‌کاوی آثار صادق هدایت، توسط محمد صنعتی اشاره کرد (صنعتی، ۱۳۸۰).

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که دیدگاه کیفی در صورت خوب انجام دادن، علاوه بر مکمل بودن روش کمی می‌تواند قبل از روش کمی و یا بعد از آن در مورد موضوعی انجام پذیرد. تا بدین ترتیب، هم صحت مطالب جمع‌آوری شده تأیید شود و هم تحلیل عمیق روش کیفی، کمک به شناسایی دقیق علل به وجود آمدن پدیده‌های اجتماعی یا رفتارهای خاص کند و در نهایت مانند پژوهش‌های ژان پیازه در مورد کودکان، به تبیین نظریه‌ای جهان شمول بیانجامد.

لذا شناخت پژوهشگران با روش کیفی می‌تواند منشاء اثر خوبی در پژوهش‌های علوم اجتماعی و رفتاری به‌خصوص در امر آموزش و پرورش باشد. اما در کنار نکات مثبت این روش، یکی از مشکلات و نکات منفی آن، دخالت احساس، اندیشه و عقاید پژوهش‌گر در موضوع مورد پژوهش می‌باشد، به گونه‌ای که در مواقعی این عناصر مانع خوب دیدن و درست تحلیل کردن می‌باشند. (لورو، ۱۹۸۸). حتی در مواقعی، پژوهش‌گر می‌تواند تحت تأثیر محیط قرار بگیرد. برای مثال، خانم ژان فاوره سادا (۱۹۸۵)، در پی پژوهشی پیرامون سحر و جادو در یکی از کشورهای آفریقایی، تحت تأثیر این اعمال به گفته خود وی، نگاه خستی یا ابژکتیو خود را در طول پژوهش از دست داد.

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

برای درک بیشتر روش کیفی، بهتر است جایگاه آن را در عمل و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این روش تحقیقی را مورد بررسی قرار داد. از مزیت‌های مهم دیدگاه کیفی، جمع‌آوری اطلاعات بسیار دقیق و نزدیک به واقعیت، در موضوع مورد مطالعه است. در بعضی از موضوع‌ها مانند: نگرش‌ها، تفکرها و نظرهای افراد پیرامون مسائل مختلف اجتماعی و رفتارهای انجام‌پذیر، مانند روش تدریس، امکان دست‌یابی به واقعیت‌ها توسط پرسشنامه خیلی ضعیف است، چرا که اکثر افراد ممکن است اولاً، واقعیت‌ها را کتمان کنند و ثانیاً، کلیشه‌ای به سؤال‌ها جواب دهند، ثالثاً آرمان‌گرایانه پاسخ بدهند. در حالی که در مصاحبه‌های عمیق و مشاهده‌های نزدیک، امکان مشاهده رفتار

و شنیدن افکار در مواقع عادی و روزمره و در نتیجه جمع‌آوری اطلاعات دقیق بسیار زیاد ممکن می‌باشد. ابزارها و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات که در روش‌های کیفی رایج است عبارتند از: مردم‌نگاری، مشاهده‌کردن، پژوهش در عمل، زندگی‌نامه، مصاحبه و بررسی اسناد. در ادامه به اختصار درباره هر یک از این روشها نکاتی را بیان می‌داریم.

مردم‌نگاری: مردم‌نگاری، هم به‌عنوان تکنیک جمع‌آوری اطلاعات (انواع مشاهده)، و هم به‌عنوان یک روش تحقیق (مجموعه‌نگرشی کیفی و تحلیلی نسبت به یک موضوع تحقیق خاص)، و هم به‌عنوان یک نظریه (مجموعه‌نظام خاصی که یک موضوع را در چهارچوب آن بتوان تحقیق کرد) مطرح می‌باشد (موس، ۱۹۹۲، وودز، ۱۹۹۰، و لاپلانتین، ۲۰۰۰).

از نظر لغوی روش مردم‌نگاری، یعنی توضیح و معرفی یک قبیله یا قوم، ولی از نظر روشی، یعنی روش تحقیق عملی و مطالعه‌زمینه‌ای، و مجموعه‌روش‌های گردآوری اطلاعات جهت توصیف یک فعالیت خاص اجتماعی و یا نوع زندگی دسته‌ای از افراد جامعه (لاپلانتین، ۲۰۰۰). مردم‌نگاری با این اصل شروع می‌شود که هر گروه اجتماعی واقعیت خاص خود را می‌سازد و برای شناخت آن باید از درون آن را مشاهده کرد، مطالعه نمود و شناخت. روش مردم‌نگاری، مشاهده‌گر شرکت‌کننده را مجبور می‌کند که در ضمن زندگی در محیط مورد مطالعه علاوه بر شنیده‌ها، اعمال افراد و وسایل پیرامون آنها را نیز مورد مطالعه دقیق قرار بدهد. برای مثال، کاری که خانم مارتین سگالین در مطالعه پیرامون خانواده‌های کارگران انجام داد. در این پژوهش وسایل روزمره زندگی‌شان مانند مبلمان به‌عنوان ارزش‌های خانوادگی مورد مطالعه قرار گرفت (سگالین، ۱۹۸۷). در ضمن، مردم‌نگار در حین مطالعه رفتار و افکار به آثار مختلف مکتوب، وسایل زندگی، کار و فعالیت اجتماعی نیز توجه خاص دارد. هدف مردم‌نگار، شناخت و معرفی یک فعالیت یا یک نوع زندگی اجتماعی در موقعیت طبیعی و واقعی، بدون دست‌کاری و تغییر می‌باشد. در واقع، مردم‌نگار مصاحبه‌هایی را انجام می‌دهد که از انعطاف زیادی برخوردار است و مانند یک گفت‌وگوی دوستانه می‌باشد (لاپاساد، ۱۹۹۱، ص ۷). مردم‌نگار هیچ پیش‌فرض ساختارمندی را در ذهن نداشته و در پی آزمون نظریه‌ای خاص نمی‌باشد. پیتروودز، مطالعه پیرامون روش تدریس معلمان و رفتار دانش‌آموزان را در نظام آموزشی انگلیس به‌صورت مردم‌نگاری انجام داده است. وی در مقام پاسخ به دو سؤال اساسی «در نظام آموزش و

پرورش انگلیس چه می‌گذرد؟» و «چرا این اعمال صورت می‌گیرد؟»، نظام آموزش و پرورش انگلیس را مورد مطالعه قرار داده است (وودز، ۱۹۹۰).

از کارهای خیلی خوب و در حوزه دیگر، زندگی چندساله خانم ژان فاوره سادا که در میان قبیله‌ای آفریقایی زندگی کرد تا جایگاه و روش‌های سحر و جادو را از نزدیک در بین مردم این قبایل مورد مطالعه قرار دهد، می‌باشد (ژان فاوره سادا، ۱۹۸۵).

گاهی پژوهش‌گر براساس علاقه شخصی خود، گروهی را که در جامعه زندگی می‌کنند و جدای از جامعه نمی‌باشند، ولی براساس فعالیت خاص متمایز از بقیه افراد جامعه بوده، مورد مطالعه قرار می‌دهد. یکی از شاهکارهای معاصر به کارگیری این روش را می‌توان به پژوهش زمینه‌ای (مردم‌نگاری) هوارد بکر، جامعه‌شناس برجسته و معاصر آمریکایی که نتیجه آن در کتاب معروف وی به نام *حاشیه‌روها* منعکس گردیده است می‌باشد. بکر در این تحقیق مراحل معتادشدن گروهی از نوازندگان گروه‌های جاز را مورد مطالعه قرار داده است. وی حتی مدت کوتاهی به استفاده از ماری جووانا مشغول شد تا هم بهتر در گروه مورد مطالعه راه یافته و هم به تفکر آنها در ارتباط با مواد مخدر، بیشتر پی‌ببرد (بکر، ۱۹۹۵).

علاوه بر این استفاده از روش مردم‌نگاری در کارهای کلاسیک مانند تحقیقات بوآس، مارگاریت مید، مالینوفسکی، لوپلی و غیره قابل پیگیری است (لاپلانتین، ۱۹۹۱).

مشاهده: مشاهده به دو صورت شرکت‌کردن یا شرکت نکردن در گروهی یا در مکانی جهت شناخت فعالیت‌ها، آراء و افکار انسانها قابل استفاده در روش‌های کیفی می‌باشد (پلتو، ۱۳۷۵).

زمانی که محقق بدون شرکت در فعالیتی، آن فعالیت را از نزدیک مشاهده می‌کند، مشاهده‌گر کامل می‌باشد. به‌عنوان مثال، برای شناخت تماشاچیان فیلم خاصی در سینما، مشاهده‌گر در مقابل درب‌های ورودی یا خروجی سینما قرار گرفته و براساس سیاهه مشاهده از قبل تعیین شده، در پی جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز خود می‌باشد. بوردیو جامعه‌شناس معاصر فرانسوی بدین‌گونه بازدیدکنندگان موزه‌ها را مورد مطالعه قرار داد (بوردیو، ۱۹۶۶).

در صورتی که مشاهده‌گر مجبور باشد در فعالیتی شرکت کند تا به تمام جزئیات آن فعالیت و افکار حاکم بر آن پی‌ببرد، مشاهده‌گر شرکت‌کننده می‌باشد. در این حالت فرد مجبور است مانند مردم‌نگار مدتی در بین آن افراد مورد مطالعه زندگی کند. بومارد

در مورد چگونگی تصمیم‌گیری معلمان جهت راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی، براساس پرونده‌های تحصیلی آنها، مدتی را به صورت معلم در استخدام دبیرستانی درآمد تا از نزدیک چگونگی تصمیم‌گیری معلمان و تأثیر آن بر آینده دانش‌آموزان را مشاهده کند (بومارد، ۱۹۸۲).

لاپاساد این دو نوع مشاهده‌گر را به سه نوع مشاهده‌گر تقسیم می‌کند. مشاهده‌گر فعال (پژوهش‌گر نقشی را در گروه داشته و فعالیتی دارد)، مشاهده‌گر حاشیه‌ای (پژوهش‌گر کاملاً در فعالیت جاری دخالت نمی‌کند و در جمع حضور دارد)، مشاهده‌گر کامل (پژوهش‌گر فقط به تماشای فعالیتی مشغول می‌باشد، بدون اینکه فعالیتی و نقشی در محیط مورد مطالعه داشته باشد) (لاپاساد، ۱۹۹۱)

پژوهش در عمل: اولین کارهای پژوهش در عمل توسط کورت لووین، جهت تغییر در نگرش‌ها و رفتارهای افراد در بعضی کارها و فعالیت‌های گروهی اجتماعی صورت گرفت. طبق نظر لووین، پژوهش‌گر ابتدا می‌بایستی وضعیت موجود را دقیقاً بشناسد و سپس در مرحله دوم مشغول به اجرای طرح‌های پیشنهادی خود جهت تغییرات مورد نظر بپردازد. پژوهش در عمل به دو صورت امکان‌پذیر است.

۱. پژوهش در عمل خارجی: این نوع پژوهش زمانی انجام می‌گیرد که پژوهش‌گری بنا به دعوت گروهی و یا از روی علاقه، وارد گروهی می‌شود و شروع به مطالعه وضعیت موجود و سپس تغییرات در آن گروه می‌کند. رمی هس، به کمک یک گروه چند نفره از متخصصین رشته‌های مختلف (جامعه‌شناس، روان‌شناس و اقتصاددان) به سرپرستی خود وی، به دعوت یکی از سازمان‌های مربوط به سازمان ملل متحد، وارد این سازمان می‌شود و می‌کوشد علل عدم موفقیت سازمان ملل در تحقق برنامه‌های از قبل تعیین شده را مورد بررسی قرار دهد (هس، ۱۹۷۸). مطالعه دقیق پیرامون دانشگاه، مونترآل کانادا به دعوت این دانشگاه توسط ژرژ لاپاساد (به همراهی یک اکیپ هفت نفره) در مدت شش ماه (لاپاساد، ۱۹۷۱) و نیز مطالعه مشترک لاپاساد و لورو، پیرامون حوزه‌های علمیه کلیسای فرانسه، از کارهای به نام در این روش می‌باشند (لاپاساد و لورو، ۱۹۹۶).

۲. پژوهش در عمل داخلی: زمانی که یکی از اعضاء درون گروه یا خود مایل باشد یا توسط مدیر و یا مسئولان گروه مأمور به مطالعه پیرامون فعالیت گروه بشود، صورت می‌گیرد. (لاپاساد، ۱۹۸۹، ص ۱۵ و ۱۷). بعد از جمع‌آوری اطلاعات و شناخت وضعیت موجود،

فعالیت‌هایی جهت تغییر در گروه انجام می‌دهد. مطالعه پاتریک ویل، در مورد مشکلات درون سازمانی وزارت نیرو در فرانسه از این روش پیروی کرده است (ویل، ۱۹۹۰).

نکته قابل تعمق در این سه روش یا ابزار جمع‌آوری اطلاعات، (مردم‌نگاری، مشاهده و پژوهش در عمل) بیانگر رابطه مستقیم و تنگاتنگ و مدت‌دار پژوهش‌گر با موضوع تحقیق خویش می‌باشد. در این صورت امکان جمع‌آوری دقیق اطلاعات میسر می‌شود. این نکته از ویژگی‌های مهم روش کیفی است. (هس و سووآ، ۱۹۹۳، ص ۶۱).

زندگی نامه یا تاریخچه زندگی: یکی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در رویکرد کیفی، زندگی نامه یا تاریخچه زندگی می‌باشد که امروزه در تحقیقات مختلف علوم اجتماعی و علوم رفتاری مورد استقبال زیادی قرار گرفته است. در این روش پژوهش‌گر با شنیدن بخش‌های مختلف زندگی فردی، می‌تواند علاوه بر شناخت افکار، اندیشه‌ها، آراء و آرزوهای فرد، هم متوجه وضعیت موجود وی و هم وضعیت فکری - فرهنگی گذشته وی شده، هم مسیر فرهنگی زندگی فرد را در طول زندگی بیابد. پس از جمع‌آوری تعداد زیادی از تاریخچه زندگی افراد متفاوت، می‌توان هم وضعیت فرهنگی فعلی جامعه‌ای را شناسایی کرد و هم گذشته فرهنگی آن جامعه را شناخت و هم تغییرات فرهنگی جامعه را در طول زمانی خاص فهمید (دلوری مومبرجه، ۲۰۰۰). این روش در حوزه روان‌کاوی استفاده زیادی داشته، ولی امروزه در علوم اجتماعی و علوم رفتاری نیز جای خود را یافته است (لاپاساد، ۲۰۰۰).

روان‌کاوی اعم از فرویدیسم یا پست فرویدیسم نیز به اتکاء مطالعات بالینی فردی در مدت طولانی و مراجعه به متغیرهای گوناگون و یا ابعاد مختلف وجود انسان به صورت کیفی و عمیق از طریق شنیدن زندگی نامه، سعی در شناخت چگونگی ساختن ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه انسان در طول زندگی کرده و با این روش انسان را به صورت عمیق مورد مطالعه قرار داده است (فروید، ۱۹۹۷).

مصاحبه: در تعداد زیادی از کتاب‌های روش تحقیق، از مصاحبه نیز به عنوان یک ابزار مستقل در جمع‌آوری اطلاعات در دیدگاه کیفی نام برده می‌شود (سرمد و دیگران، ۱۳۷۶ و کرلینجر، ۱۳۷۴). ماهیت مصاحبه بدین صورت است که پژوهش‌گر گفت‌وگوی شفاهی و رودررو با فرد یا افراد مورد مطالعه خود نیز دارد. مصاحبه‌کننده مصاحبه‌های خود را یا در حین گفت‌وگو ضبط می‌کند یا همزمان یادداشت بر می‌دارد

و یا پس از انجام مصاحبه، مطالب اصلی را یادداشت می‌کند. از ویژگی‌های مصاحبه نسبت به پرسش‌نامه، انعطاف‌پذیری پرسش‌های پژوهش‌گر و تغییر پرسش‌ها جهت کسب اطلاعات بیشتر در حین مصاحبه می‌باشد.

بررسی اسناد: اسناد در مورد یک موضوع خاص (چه موضوعات تاریخی و چه موضوعات در ارتباط با زمان معاصر) از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در روش کیفی می‌باشد. اسناد را ابتدا باید طبقه‌بندی کرد و سپس به مطالعه و بررسی آنها پرداخت. اسناد براساس اهمیت و گستردگی‌شان به درجات ۱، ۲، ۳ و غیره تقسیم می‌شوند. هر چقدر پژوهشی به اسناد درجه یک، بیشتر دسترسی داشته باشد، کیفیت تحلیل‌ها دقیق‌تر و بهتر خواهد بود.

پلزانس، پژوهشی پیرامون روند حرکت مهدکودک و پیش‌دبستانی در فرانسه و تأثیر آنها در آموزش دانش‌آموزان انجام داده است. بدین منظور، وی به مطالعه و بررسی آئین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و نامه‌های ارسالی به این مراکز و برنامه‌ریزی‌های آنها در طی سالهای ۱۹۴۵ الی ۱۹۸۰ توجه داشته است (پلزانس، ۱۹۸۶).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: روش‌های کیفی اغلب در حوزه‌هایی کاربرد دارد که هدف، شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر پدیده‌های اجتماعی یا رفتارهای فردی باشد. در واقع، در گذر از کاربرد روش کیفی می‌توان پی‌به‌ویژگی و اهمیت آن نیز برد. روش کیفی هم در رشته‌های روان‌شناسی، روان‌کاوی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی کاربرد دارد و هم در تعدادی از نظریه‌های خرد: مانند کنش متقابل نمادی، پدیدارشناسی و روش‌شناسی مردم‌نگر، که با وجود دیدی خرد، ولی عمیق قابل استفاده و تعمیم در سطح کلان نیز می‌باشد.

نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه بحث و مشخص کردن ویژگی‌های روش کیفی، اشاره‌ای به دستاورد روش‌های پژوهش موجود در ایران می‌کنیم. با نگاهی گذرا به تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در ایران اعم از رساله‌های فوق لیسانس، دکتری و پژوهش‌های دیگر، چند نکته قابل طرح می‌باشد.

۱. اکثر آنها یا قصد اجرای نظریه‌ای را داشته و یا تستی را آزمایش می‌کنند و فرضیه آزمایشی را در پیش می‌گیرند.

۲. اغلب، موضوعها و مسائل قابل لمس و کاربردی را کمتر در نظر داشته، و موضوع‌های انتزاعی را با دیدی کلان در سطح تأثیر متغیرها در نظر می‌گیرند.

۳. اکثر آنها به صورت کمی، اطلاعات نسبتاً خوبی را جمع‌آوری کرده‌اند، ولی تحلیلی عمیق در مورد اطلاعات به دست آمده صورت نگرفته است، چون رویکرد کیفی بر پژوهش‌ها حکومت ندارد.

این نکته را باید در نظر داشت که هدف پژوهش فقط جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده هدف اصلی تحقیق می‌باشد؛ کاری که در اکثر پژوهش‌های کمی صورت نمی‌گیرد. اغلب مواد خام بسیار زیادی با توضیح مختصر معرفی می‌شوند. در حالی که اگر این مواد خام عرضه شده مورد تحلیل عمیق و کیفی قرار بگیرند اولاً، شناخت بیشتر و بهتری را نسبت به موضوع نشان می‌دهد. در ثانی علت‌های بروز آن معلول‌ها بهتر شناسایی می‌شوند. در پایان امکان معرفی پیشنهادهای عملی و واقعی و قابل اجرا، جهت دست‌اندرکاران و مسئولین مربوطه بهتر میسر خواهد شد. البته این امر، کمتر ضعف روش کمی را می‌رساند و بیشتر کاربرد نامطلوب و یا بعضاً ناقص این روش را مطرح می‌کند. ولی به‌طور کلی ساختار روش‌های کمی، تحلیل‌های عمیق را طلب نمی‌کند، بلکه دادن آمارها و رابطه‌های معنی‌دار بین متغیرها ملاک می‌باشد.

در پژوهش‌های کیفی اکثر پژوهشگران موضوع‌های قابل لمس به‌خصوص در زندگی روزمره را انتخاب می‌کنند. هم‌چنین نگاه ژرف آنها به شناخت موضوع اجازه می‌دهد که اولاً علت‌های اصلی وجود پدیده‌ها، واقعه‌ها و رفتارهای اجتماعی را شناسایی کرده، ثانیاً در پیشنهادها به صورت تحلیل‌های کمی دست به نسخه‌نویسی نرزد، بلکه در صورت داشتن راه حل و پیشنهاد، راه‌های منطقی، توجه به جزئیات موضوع و قابل اجرا بودن با در نظر گرفتن امکانات اجراکنندگان و جامعه داده می‌شود. نگاهی گذرا به تمام پژوهش‌های کمی، بیانگر این مطلب است که بدون استثناء به‌صورت نسخه‌نویسی، پیشنهادهای سطحی و بسیار زیادی در ارتباط با موضوع پژوهش به جامعه پژوهشی و افراد مورد پژوهش و مسئولین مربوطه ارائه می‌کنند که به لحاظ سطحی بودن، بیشتر حالت شعارگونه دارد تا امکان عملی بودن. بنابراین، نتایج پژوهش‌های کمی کمتر توانسته است، گره‌گشای مشکلات جامعه ما باشند و بیشتر در سطح طرح مسئله باقی مانده‌اند.

دیدگاه کیفی قادر است در کنار روش‌های کمی به ما کمک کند تا جامعه را بهتر شناخته، دلایل وجودی و ویژگی‌های مختلف جامعه (اعم از مثبت و یا منفی) را بهتر شناسایی کرده، و در حل مشکلات موجود موفق‌تر بوده و برای ارائه راه‌حل‌های قابل اجرا، جهت پیشرفت جامعه قدم‌های مستحکم‌تری را برداریم.

فهرست منابع و مآخذ

۱. باقری، خسرو؛ دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، انتخاب و ترجمه. انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۵.
۲. پلتوپرتی، ژ.؛ روش تحقیق در انسان‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۳. سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی؛ روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶.
۴. سیلورمن، دیوید؛ روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۹.
۵. شریفی، حسن پاشا و نسترن شریفی؛ روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
۶. صنعتی، محمد؛ صادق هدایت و هراس از مرگ، ساخت شکنی روان تحلیلگرانه بوف کور، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۷. کرلینجر، فرد آن، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، مترجمان: دکتر حسن پاشا شریفی و دکتر جعفر نجفی زند. مؤسسه انتشارات آوای نور، ۱۳۷۴.
۸. کیوی، ریمون، و وان کامپنهود لوک؛ روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
۹. مارشال، کاترین؛ گرچن ب، راس من؛ روش تحقیق کیفی، مترجمان: دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. ین، رابرت ک.؛ تحقیق موردی، ترجمه دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.